



عالمان دین در فراه:

از حاکمیت طالبان ناامید شده ایم



در آستانه فرارسیدن دوساله‌گی سقوط نظام جمهوریت، عالمان دین در فراه از نقش خود در سقوط آن نظام و تبلیغ برای طالبان، اظهار پشیمانی می‌کنند. شماری از عالمان دین در این ولایت به روزنامه ۸ صبح می‌گویند که از عمل کرد رهبران طالبان و زبردستان‌شان با مردم، به شدت ناامید شده‌اند. به گفته آنان، در تشکیل اداره‌های طالبان بیشتر بسته‌گان این گروه حضور دارند و با مردم به گونه زشت برخورد می‌کنند. شماری از این عالمان دین چشم‌دیدشان از وضعیت را روایت می‌کنند و معتقدند که طالبان رفاقت، قوم‌گرایی و منطقه‌گرایی را حاکم کرده‌اند. آنان همچنان تلاش طالبان برای ضایع کردن حق شهروندان، به‌ویژه در نهاد‌های قضایی را محکوم می‌کنند...

از انکار حمایت تا منع جهاد:

تقلای طالبان برای کسب رضایت همسایه‌گان



هزینه‌های زنده‌گی زیر پرچم طالبان

طالبان: جلوگیری و کنترل حملات در داخل خاک پاکستان به عهده ما نیست



۸ صبح، کابل: ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی گروه طالبان می‌گوید که جلوگیری و کنترل حملات در داخل خاک پاکستان به عهده این گروه نیست؛ بلکه وظیفه و ارکان‌های امنیتی و استخباراتی آن کشور است. مجاهد روز سه‌شنبه، ۱۷ اسد، با نشر خبرنامه‌ای نوشته است که این گروه طرفدار هیچ حمله‌ای در پاکستان نیست و به کسی اجازه استفاده از خاک افغانستان علیه آن کشور را نمی‌دهند. او افزوده است: «پاکستان باید وضعیت امنیتی خود را با دقت مدیریت کند و دنبال راه‌حلی در داخل خانه خود باشد.» تنش‌ها میان طالبان و اسلام‌آباد در ماه‌های اخیر افزایش پیدا کرده است. روز گذشته نیز جنرال عاصم منیر، رئیس ستاد ارتش پاکستان گفت که «تروریستان» از افغانستان به امنیت آن کشور صدمه زده‌اند و برای سرکوب این گروه‌ها در خاک افغانستان اراده مستحکم دارند. در همین حال، اسکپرس تریبیون نیز گزارش داده است که پاکستان به دنبال صدور فرمان عمومی از سوی ملا هبت‌الله آخوندزاده، رهبر طالبان علیه تحریک طالبان پاکستان (تی‌تی‌پی) است. مقام‌های پاکستان همواره طالبان را به دادن پناه‌گاه‌های امن به جنگ‌جویان تی‌تی‌پی متهم کرده‌اند.

سیگار: امریکا در دو سال گذشته بیش از ۲.۳۵ میلیارد دلار به افغانستان کمک کرده است

و کارشنکی طالبان در توزیع کمک‌های بین‌المللی اشاره شده است. سیگار به نقل از مسولان نهادهای امدادرسان بین‌المللی نگاشته که هرچند کمک‌های آنان از طریق سازمان‌های امدادرسان به افغانستان ارسال شده است، اما طالبان در کارهای‌شان دخالت می‌کنند. از این میان، اداره کمک‌های بین‌المللی ایالات متحده گفته است که مداخله طالبان در کمک‌های بشردوستانه مانع اصلی دسترسی نیازمندان به کمک‌های ارسالی می‌شود. این درحالی است که همواره شهروندان کشور از توزیع ناعادلانه کمک‌های بشری نگرانی کرده و گفته‌اند که بیشتر این کمک‌ها به طالبان و افراد نزدیک به این گروه توزیع می‌گردد. با این حال، طالبان این ادعاها را تکذیب کرده و گفته‌اند که فهرست‌های شناسایی خانواده‌های نیازمند از سوی نهادهای امدادرسان تهیه می‌شوند.



SPECIAL INSPECTOR GENERAL FOR AFGHANISTAN RECONSTRUCTION

۸ صبح، کابل: بازرس ویژه ایالات متحده برای بازسازی افغانستان (سیگار) اعلام کرد که از زمان تسلط طالبان به این‌سو، امریکا بیش از ۲,۳۵ میلیارد دلار به افغانستان کمک کرده است. سیگار روز سه‌شنبه، ۱۷ اسد، شصت‌ومین گزارش خود را در مورد افغانستان به کانگرس امریکا ارائه کرده است. این گزارش که در آستانه دو ساله‌گی تسلط طالبان بر کشور نشر شد، در آن یک بار دیگر به سوءاستفاده

معترضان از سراسر جهان: با طالبان نباید با هیچ بهانه و ترفندی تعامل شود

همیسته‌گی با مردم افغانستان علیه گروه تروریستی، فاشیستی و تک‌جنسیتی طالبان» گفته‌اند که افغانستان به‌طور عملی و واقعی به میدان و پناه‌گاه گروه‌های تروریستی شناخته شده در جهان تبدیل شده است. به گفته آنان، کشورهای دخیل در قضیه افغانستان برای جلوگیری از «تروریستی‌سازی» افغانستان مسوولیت دارند. در این قطع‌نامه آمده است: «زنان که نصف پیکر جامعه افغانستان هستند، توسط طالبان به کلی حذف شده‌اند، می‌خواهند که کشور از وجود گروه تروریستی و فاشیستی طالبان پاک‌سازی شود تا دیگر هیچ زنی در افغانستان قربانی جنسیت و هیچ‌نوع تبعیض نباشد و خود تصمیم‌گیرنده‌ی سرنوشت‌شان باشند.» آنان می‌افزایند که هر نوع تعامل با طالبان و به رسمیت‌شناختن این گروه تروریستی، به معنای تعامل با تروریسم و رسمیت‌دادن به تروریستان است.



۸ صبح، کابل: معترضان از سراسر جهان می‌گویند که با طالبان نباید با هیچ بهانه و ترفندی تعامل شود و این گروه نباید از سوی هیچ کشور و نهادی به رسمیت شناخته شود. معترضان از سراسر جهان روز سه‌شنبه، ۱۷ اسد، با نشر قطع‌نامه‌ای به مناسبت «هفته



مناطق قبایلی پاکستان، بمب ساعتی در آستانه انفجار



تالشی «از کستر» هم‌نوازی آزاد افغانستان، روزی دشمن پیا در میان سکوت و ناله‌سیدی



چرا جهاد تنها در افغانستان فرض است؟

شماری از سربازان طالبان افغان که با تحریک طالبان پاکستان (تی‌تی‌پی) رابطه نزدیک دارند، برای جنگ به آن سوی خط دیورند می‌روند و در عملیات این گروه بر ضد نظامیان پاکستانی اشتراک می‌کنند. این موضوع که بدون هماهنگی با رهبران طالبان افغانستان انجام می‌شود، سبب خشم و اعتراض دولت پاکستان شده است که چرا این گروه بر اعضای خود کنترل ندارد و نمی‌تواند مانع خرابکاری‌های آنان شود. رهبران طالبان از این بابت ناخوشند و تا حدی خشمگین هستند؛ زیرا می‌دانند که با هر چیز می‌توان بازی کرد، اما با ریش بابا نه. آنان به خوبی درک می‌کنند که خشم پاکستان تاوان سنگینی برای شان در پی خواهد داشت. از این رو، ملا یعقوب، سرپرست وزارت دفاع طالبان، دستور داده است که در بیرون از افغانستان نباید جهاد کرد.

بسیاری از مردم می‌پرسند که چرا جهاد همیشه در افغانستان فرض است، و اگر فرضاً در هر جای دیگری فرض شود، از نظر طالبان در پاکستان فرض نمی‌شود؟ پرسش مردم از این حیث است که آنچه از نظر طالبان سبب تجویز و فرضیت جهاد در افغانستان عنوان شده بود، و عیوبی که برای حکومت پیشین افغانستان می‌گرفتند، یکایک آن‌ها در حکومت پاکستان هم وجود دارد. معلوم نیست که معیار فرضیت جهاد از نظر طالبان چیست و رهبران این گروه این معیارها را از کجا گرفته‌اند. آن دسته از سربازان ساده‌دل طالبان که تبلیغات این گروه را درباره دلایل فرضیت جهاد در افغانستان باور کرده بودند، می‌بینند که آن دلایل بر پاکستان و دیگر کشورها نیز صادق است، به‌ویژه این که همفکران شان در پاکستان به‌نام تی‌تی‌پی عملاً جهاد را شروع کرده‌اند. از نظر آنان، تنها گذاشتن طالبان پاکستان در این نبرد که در گذشته میزبان طالبان افغان بودند، منصفانه نیست. این تناقض که میان نظر و عمل طالبان وجود دارد، سبب سرخورده‌گی شماری از سربازان این گروه و حتی سبب پیوستن آنان به داعش می‌شود. از آن سو، بخش‌هایی از طالبان که با سازمان‌های افراطی منطقه در آسیای میانه، ایران، کشمیر و جهان عرب ارتباط دارند، خود را برای ادای رسالت جهادی‌شان در آن سوی مرزها آماده می‌کنند. در طرف دیگر، رهبران طالبان در ملاقات‌های مخفی و نیمه‌مخفی‌شان با هیات‌های ایالات متحده آمریکا تأکید دارند که فعلاً برنامه‌ای برای جهاد در بیرون از مرزهای افغانستان ندارند و همه جهادشان در برابر مردم افغانستان است. آنان تأکید دارند که ارسال بسته‌های میلیون دلاری باید ادامه پیدا کند؛ زیرا پیش بردن این جهاد بدون دالر امریکایی ممکن نیست.

در این وضعیت است که ملا یعقوب جهاد در خارج از افغانستان را منسوخ اعلام کرده و آن را مخصوص مقابله با مردم افغانستان دانسته است. از این موضع‌گیری‌های متناقض معلوم می‌شود که آنچه طالبان قبلاً بهانه جنگ و جهادشان قرار داده بودند مانند تطبیق نشدن شریعت، وجود فساد، رابطه با آمریکا و ناتو و مانند این‌ها، دلایل واهی و بی‌بنیاد بوده و انگیزه اصلی جهادشان سرکوب مردم افغانستان و دستیابی به قدرت، ثروت و برخورداری بیش‌تر از امکانات مالی و دولتی بوده است. به همین دلیل، رهبران این گروه آماده‌اند حتی به آمریکا که آن را دشمن اصلی خود عنوان می‌کردند، دست دوستی و برادری دراز کنند، به‌شرطی که ارسال پول ادامه یابد و توانایی سرکوب مردم از آنان گرفته نشود.

گروه صدای واحد زنان افغان: به رسمیت شناختن طالبان به معنای به رسمیت شناسی آپارتاید جنسیتی است



۸صبح، کابل: گروه صدای واحد زنان افغان می‌گوید که به رسمیت شناسی رژیم طالبان به معنی به رسمیت شناختن آپارتاید جنسیتی است. گروه صدای واحد زنان افغان روز سه‌شنبه، ۱۷ اسد، در اعلامیه‌ای می‌گوید که پس از تسلط دوباره طالبان بر افغانستان، ظلم و خشونت بر زنده‌گی مردم سایه افکنده است. به گفته این گروه از زنان، زنده‌گی کردن تحت این رژیم برای همه شهروندان کشور به‌ویژه فعالان حقوق بشر ناممکن شده است. در اعلامیه آمده است که زنان در دور اول تسلط طالبان بر افغانستان نیز تحت ستم قرار گرفته بودند؛ اما این بار سوءتبعیض در برابر زنان و ظلم و ستم بر آنان به‌گونه بی‌پیشینه‌ای افزایش یافته است. گروه صدای واحد زنان از جامعه جهانی خواسته تا از به رسمیت شناسی این گروه خودداری کند. در این اعلامیه آمده است: «رژیم سرکوب‌گر طالبان را به رسمیت نشناسید، زیرا به رسمیت شناختن

طالبان به معنای به رسمیت شناختن آپارتاید جنسیتی است.» آنان همچنان برای جلوگیری از قرار گرفتن کمک‌های بشری به دست طالبان خواستار ایجاد یک میکانیسم نظارتی شده‌اند. در بخش دیگر این اعلامیه همچنان آمده است: «ما خواستار تشدید تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل و لغو آزادی سفر رهبران طالبان هستیم. همچنان درخواست می‌کنیم تا دفتر طالبان در قطر که به‌عنوان یک سفارت فعال در خارج از کشور عمل می‌کند، بسته شود.» آنان همچنان از کشورهای عضو اتحادیه اروپا و جامعه جهانی خواستند تا زمینه انتقال افغان‌های در معرض خطر را فراهم کنند. این خواسته‌ها در حالی مطرح می‌شوند که در این اواخر برخی از نمایندگان کشورهای دیدارهایی با هیأت‌های طالبان داشتند.

شورای مقاومت ملی: طالبان در کشور مصروف تصفیه قومی هستند



۸صبح، کابل: شورای مقاومت ملی برای نجات افغانستان، طالبان را به نسل‌کشی و نابودسازی قومی در سال ۱۳۷۷ در شهر مزارشریف متهم کرده و گفته این گروه اکنون نیز مصروف تصفیه قومی در کشور هستند. شورای مقاومت ملی روز سه‌شنبه، ۱۷ اسد، در اعلامیه‌ای به مناسب یادبود کشته شده‌گان ۱۷ اسد ۱۳۷۷ خورشیدی مزارشریف، مرکز بلخ، طالبان را به پاکسازی قومی متهم کرده و گفته است که این گروه ۲۵ سال پیش در چنین روزی دست به جنایات بشری زد. به گفته این شورا، طالبان در مزارشریف حتی بالای زنان و کودکان رحم نکرده‌اند. در بیانیه این شورا همچنان آمده است که گروه طالبان بدترین جنایت ضد بشری را علیه مردم هزاره و شیعه انجام داده‌اند و یکی از مقام‌های طالبان در آن زمان نیز فتوای قتل عام این گروه قومی را صادر کرده بود. شورای مقاومت ملی برای نجات افغانستان در این اعلامیه خاطرنشان کرده که طالبان هم‌کنون در نقاط مختلف کشور مصروف تصفیه قومی هستند. این جریان سیاسی بدون نام گرفتن از کشوری

تصريح کرده است که به‌دلیل ارتکاب جنایات ضد بشری طالبان، به‌جای تعامل باید تحریم بیشتر علیه آنان وضع شود. شورای مقاومت هشدار داده است که تعامل پشت پرده با طالبان سبب تقویت سایر گروه‌های تروریستی خواهد شد. براساس گزارش‌ها، طالبان پس از ورودشان در سال ۱۳۷۷ به شهر مزارشریف، دست به کشتار غیرنظامیان به ویژه شیعیان زدند. این در حالی است که براساس گزارش نهادهای معتبر حقوق بشری، طالبان با تصرف دوباره شهر مزارشریف در سال ۱۳۷۷ خورشیدی دست به کشتار و اعدام هزاران غیرنظامی این شهر زدند. پس از گذشت ۲۵ سال تا کنون آمار دقیق کشته شده‌گان در مزارشریف روشن نشده است.

ملا برادر عازم ترکیه شد

سه‌شنبه، ۱۷ اسد، با نشر توییتی نوشته که قرار است در این سفر ملا برادر با مقام‌های ترکی و سرمایه‌گذاران افغان مقیم ترکیه دیدار کند. این معاونیت افزوده است برادر در یک نشست از سرمایه‌گذاران افغان دعوت خواهد کرد تا در داخل کشور سرمایه‌گذاری کنند. طالبان مشخص نکرده‌اند که او با کدام مقام‌های ترکی دیدار خواهد کرد. این در حالی است که با روی کار آمدن طالبان، شمار زیادی از سرمایه‌گذاران داخلی به کشورهای خارجی پناهنده شده‌اند.



۸صبح، کابل: معاونیت اقتصادی ریاست‌الوزاری طالبان می‌گوید که ملا عبدالغنی برادر، معاون اقتصادی ریاست‌الوزاری این گروه در راس هیاتی عازم ترکیه شده است. معاونیت اقتصادی ریاست‌الوزاری طالبان روز

پاکستان به دنبال صدور فرمان ملا هبت‌الله در مورد «غیراسلامی» اعلام کردن فعالیت‌های تی‌تی‌پی است

۸صبح، کابل: بربنیاد گزارش‌ها، پاکستان به دنبال صدور فرمان عمومی از سوی ملا هبت‌الله آخوندزاده، رهبر طالبان علیه تحریک طالبان پاکستان (تی‌تی‌پی) است.

اکسپرس تربیون روز سه‌شنبه، ۱۷ اسد، به نقل از منابع خود گزارش داده که اسلام‌آباد به دنبال این فرمان است تا رهبر طالبان تی‌تی‌پی را «غیراسلامی» اعلام کند. در گزارش آمده است: «هنگامی که طرف پاکستانی به رهبری آصف درانی، نماینده ویژه در امور افغانستان رهبران ارشد طالبان را تحت فشار قرار داد تا به وعده‌های خود مبنی بر عدم اجازه فعالیت تحریک طالبان پاکستان از خاک افغانستان عمل کنند، به او گفته شد که رهبر طالبان یک فرمان اجرایی صادر کرده که حملات علیه پاکستان را حرام اعلام کرده است.»



اکسپرس تربیون افزوده که این فرمان اعلام شده اما تا کنون به اطلاع عموم نرسیده است. درخواست پاکستان برای دستور صریح هبت‌الله آخوندزاده پس از افزایش اخیر حمله‌های در نقاط مختلف این کشور مطرح شده است.

تنش‌ها میان طالبان و پاکستان از ماه‌ها قبل افزایش یافته است.

روز گذشته نیز جنرال عاصم منیر، رییس ستاد ارتش پاکستان گفت که «تروریستان» از افغانستان به امنیت آن کشور صدمه زده‌اند و برای سرکوب این گروه‌ها در خاک افغانستان اراده مستحکم دارند.

مقام‌های پاکستان همواره طالبان را به دادن پناهگاه‌های امن به جنگ‌جویان تی‌تی‌پی متهم کرده‌اند.

ادعایی که طالبان آن را رد می‌کنند.

طالبان یک خبرنگار بازداشت کردند

۸صبح، غزنی: منابع محلی از بازداشت یک خبرنگار خبرگزاری باختر تحت مدیریت طالبان، از سوی این گروه در ولایت غزنی خبر می‌دهند.

منابع معتبر از این ولایت روز سه‌شنبه، ۱۷ اسد، به روزنامه ۸صبح تأیید کردند که سیدوحدت ابدالی، خبرنگار خبرگزاری باختر تحت مدیریت طالبان در غزنی از دو روز به این سو توسط طالبان بازداشت شده است.

منابع افزوده‌اند که وحدت ناوقت روز یک‌شنبه هفته جاری از نزدیکی خانه‌اش در روستای قلعه‌نو ولسوالی خواجه عمری این ولایت، بازداشت شده است.

براساس اطلاعات منابع، وی هم‌اکنون در مرکز این ولسوالی در بند طالبان قرار دارد. علت بازداشت این خبرنگار تا کنون روشن نیست و طالبان نیز در این مورد چیزی نگفته‌اند.

این در حالی است که نیروهای استخبارات طالبان به تاریخ ۹ اسد سال روان نیز سه خبرنگار را هنگام تهیه گزارش از یک حادثه آتش‌سوزی در شهر مزارشریف، مرکز ولایت بلخ بازداشت کردند.

تقلای طالبان برای کسب رضایت همسایه‌گان



هم‌زمان با پاکستان، جمهوری اسلامی ایران نیز به عنوان حامی دیرینه طالبان نسبت به رفتار این گروه در افغانستان خشمگین به نظر می‌رسد. حسین امیرعبداللہیان، وزیر خارجه ایران برای نخستین بار به مناسبت بیست‌وپنجمین سالروز کشته شدن دیپلمات‌های این کشور در شهر مزار شریف، طالبان را به انجام دادن جنایت متهم کرد.

امین کاوه

به دنبال حمله اخیر در پاکستان و واکنش ارتش آن کشور، طالبان به نظامیان‌شان هشدار داده‌اند که از جنگ در پاکستان خودداری کنند. وزیر دفاع این گروه در بیانیه‌ای به اعضای طالبان گفته است که دستور منع ادامه جهاد ملاهبت‌الله را عملی کنند. او هرچند در مورد این دستور رهبر طالبان جزییات بیشتر نداد، اما در ادامه رسانه‌ها گزارش دادند که این دستور برای منع جنگ در پاکستان صادر شده است. هم‌زمان با این، حکومت پاکستان خواستار همه‌گانی شدن این دستور شده است، در حالی که به گفته طالبان، آنان دستور رهبرشان را با اعضای‌شان در میان گذاشته‌اند. ارتش پاکستان در آخرین مورد طالبان را به میزبانی و حمایت از تی‌تی‌پی متهم کرد و گفت که در صورت دوام حملات در خاک پاکستان، آن کشور برای سرکوب جنگ‌جویان پاکستانی در جغرافیای زیر حاکمیت طالبان اقدام خواهد کرد. گفتنی است که ایران نیز وضعیت کنونی طالبان رضایت ندارد و رسانه‌های آن کشور در روزهای اخیر ضمن تروریست خواندن طالبان، خواستار تغییر سیاست آن کشور در راستای تعامل با طالبان شده‌اند. پیش از این، برخی فعالان رسانه‌ای موقف‌گیری‌های طالبان، پاکستان و ایران را تبلیغات رسانه‌ای و بخشی از تلاش‌ها برای انحراف ذهنیت‌ها خوانده بودند.

حملات اعضای تحریک طالبان پاکستانی بر مواضع نظامیان و غیرنظامیان در پاکستان واکنش جدی آن کشور را به دنبال داشت. مقام‌های سیاسی و امنیتی پاکستان گروه طالبان را متهم می‌کنند که به اعضای تحریک طالبان پاکستانی (تی‌تی‌پی) در این کشور پناه‌گاه امن فراهم کرده‌اند. در تازه‌ترین مورد، جنرال منبرعاصم، رییس ستاد ارتش آن کشور طالبان را متهم کرد که به تی‌تی‌پی در خاک افغانستان پناه داده‌اند. به گفته وی، طالبان پاکستانی از جغرافیای افغانستان به امنیت پاکستان صدمه می‌زنند. این

مقام ارشد امنیتی پاکستان در یک جرگه قومی ایالات خیبرپشتونخواه افزوده است که برای محافظت از شهروندان این کشور و از بین بردن شبکه‌هایی که به باور پاکستان تروریستی است، به دشمنان‌شان در خاک افغانستان پاسخ قاطع خواهند داد. در پی این اظهارات تند مقام‌های پاکستانی، محمدیعقوب مجاهد، سرپرست وزارت دفاع طالبان به گونه غیرمستقیم فرمان ملاهبت‌الله‌آخوندزاده، رهبر این گروه را در مورد حضور جنگ‌جویان این گروه در پاکستان رسانه‌ای کرده است. تلویزیون ملی زیر کنترل طالبان سخنرانی صوتی او را منتشر کرد که بیانگر دستور رهبر طالبان به جنگ‌جویان این گروه است. سرپرست وزارت دفاع طالبان در این سخنرانی بدون نام بردن از کشوری، می‌گوید که ملاهبت‌الله دستور پایان جهاد را صادر کرده است. او تأکید می‌کند که اطاعت از فرمان ملاهبت‌الله برای اعضای طالبان واجب است. ملا یعقوب در این سخنرانی می‌گوید: «حالا که امیر امر کرده، اطاعتش فرض است. اگر کسی برای جهاد به بیرون از افغانستان می‌رود، جهادش جهاد نیست. اگر امیر مجاهدین را از جنگیدن بازداشت و بازم آن‌ها به جنگ بروند، نام این جنگ، جنگ است، جهاد نیست.»

پس از نشر سخنرانی سرپرست وزارت دفاع طالبان، صدای امریکا جزییاتی از فرمان ملاهبت‌الله‌آخوندزاده که جنگ در پاکستان را برای اعضای این گروه «حرام» خوانده است، منتشر کرد. براساس این گزارش، دستور رهبر طالبان به مقام‌های پاکستانی ارسال شده تا نشان بدهند که تهدیدی از سوی این گروه متوجه کشورهای دیگر نیست. در گزارش آمده است که این دستور رهبر طالبان توسط امیرخان متقی و سراج‌الدین حقانی، وزیران خارجه و داخله این گروه با آصف درانی، نماینده ویژه پاکستان در امور افغانستان، شریک شده است. براساس این گزارش، طالبان به نماینده ویژه پاکستان گفته‌اند که این دستور رهبرشان اعضای این گروه را مقید می‌کند و کسی از افغانستان

حق حمله به پاکستان را نخواهد داشت. پاکستان اما از گروه طالبان خواسته است که این دستور را برای کمک به بازدارنده‌گی حمله‌های تروریستی در این کشور همه‌گانی سازد. به گفته اسلام‌آباد، ابلاغ این فرمان از انجام فعالیت‌هایی که روابط دو طرف را تضعیف می‌کند، جلوگیری خواهد کرد. طالبان در پاسخ به این درخواست پاکستان گفته‌اند که آنان این موضوع را در میان تشکیلات امنیتی خود و جنگ‌جویان‌شان به اشتراک گذاشته‌اند.

هم‌زمان با این اقدامات، ارتش پاکستان و مقام‌های سیاسی این کشور دست‌کم در رسانه‌ها به هشدارها در مورد ادامه حملات تی‌تی‌پی ادامه داده‌اند. آنان گفته‌اند که برای از بین بردن دشمنان کشورشان در خاک افغانستان تحت کنترل طالبان عملیات نظامی انجام خواهند داد. این تنش‌های لفظی زمانی تشدید شد که در گردهمایی هواداران حزب جمعیت علمای اسلام به رهبری مولانا فضل‌الرحمان انفجار نیرومند رخ داد. براساس گزارش‌ها، در این حمله بیش از ۴۰ تن کشته و ده‌ها تن دیگر زخمی شده‌اند. این در حالی است که مولانا فضل‌الرحمان از حامیان جدی طالبان شمرده می‌شود.

به گفته بلاول بوتو زرداری، وزیر خارجه پاکستان، طالبان باید علیه گروه‌هایی که امنیت این کشور را تهدید می‌کنند، اقدام کنند. او تأکید کرد که اگر طالبان در افغانستان علیه این گروه‌ها برنامه‌ای روی دست بگیرند، پاکستان تحت قوانین بین‌المللی از خود دفاع خواهد کرد. این اظهارات در چند هفته گذشته به‌طور گسترده از سوی مقام‌های این کشور در رسانه‌های پاکستانی بازتاب یافته است. این هشدار در حالی صورت می‌گیرد که پیش از این نیز آن کشور بر خاک افغانستان حمله‌های هوایی انجام داده است.

هم‌زمان با پاکستان، جمهوری اسلامی ایران نیز به عنوان حامی دیرینه طالبان نسبت به رفتار این گروه در افغانستان خشمگین به نظر می‌رسد. حسین امیرعبداللہیان، وزیر خارجه ایران برای نخستین

بار به مناسبت بیست‌وپنجمین سالروز کشته شدن دیپلمات‌های این کشور در شهر مزار شریف، طالبان را به انجام دادن جنایت متهم کرد. او با نشر توییتی گفت: «۱۷ مرداد ۱۳۷۷ [گروه] طالبان به سرکنسولگری ج.ا.ایران در مزار شریف حمله کرد و جنایت آفرید!»

برخی از رسانه‌های ایرانی در این روز واکنش‌های تند علیه طالبان داشتند. این رسانه‌ها تهران را در سیاست تعامل با طالبان ناکام توصیف کرده‌اند. به گفته آنان، تداوم سیاست تطهیر طالبان به سود ایران نیست و از مقام‌های این کشور خواسته‌اند که دست از امتیازدهی به طالبان بردارند. روزنامه جمهوری اسلامی با نشر مطلبی زیر نام «طالبان از تطهیر تا مزدوری آمریکا»، نگاشته است که اعتماد کردن به طالبان و توسل به سیاست تطهیر، برای ایران نتیجه‌ای نداشته است. به باور این روزنامه، مقام‌های ایرانی مرتکب خطای بزرگی در تحلیل وقایع منطقه و راهبرد آمریکا در افغانستان شده‌اند. این رسانه تأکید کرده به رغم امتیازدهی تهران به طالبان، این گروه حتا به یکی از وعده‌های خود در قبال این کشور عمل نکرده است. روزنامه جمهوری اسلامی طالبان را گروه تروریستی عنوان کرده و در مورد کارنامه دو ساله آنان نوشته است: «کارنامه دو سال اخیر طالبان نیز ملامت از قتل، پایمال کردن حقوق بشر، اعمال تبعیض نژادی، مخالفت با تحصیل و کار دختران و زنان، کوچاندن اجباری اقوام، لغو قانون اساسی، خودداری از مراجعه به آراء عمومی، زیر پا گذاشتن قانون و مبارزه با سنت و زبان اقوام غیرپشتون است.»

پاکستان و ایران در حالی از رفتار طالبان ابراز نارضایتی می‌کنند که این دو کشور در جریان دو سال گذشته از حامیان جدی منطقه‌ای و بین‌المللی این گروه شمرده می‌شدند. اسلام‌آباد بارها خواستار مشروعیت‌یابی گروه طالبان شد و ایران نیز رابطه تنگاتنگی با این گروه داشت. با این حال، دو کشور هرچند سفارت‌خانه‌های افغانستان در آن کشورها را به طالبان سپرده‌اند، اما هنوز طالبان را به رسمیت نشناخته‌اند.

گفتنی است که طالبان در جریان دو سال گذشته، بارها گفته‌اند که از خاک افغانستان هیچ کشور مورد تهدید قرار نخواهد گرفت. با این حال، کشورهای منطقه هنوز از شرایط راضی نیستند؛ زیرا شواهد نشان می‌دهد که طالبان از گروه‌های جهادگرا در جغرافیای زیر حاکمیت‌شان میزبانی می‌کنند. حملات موشکی از خاک افغانستان بر اوزبیکستان و تاجیکستان سبب شد که دو کشور نگرانی جدی خود را از وضعیت موجود در افغانستان ابراز کنند. پاکستان و ایران نیز ناامنی در این دو کشور را به حمایت طالبان از گروه‌های مخالف بر سر اقتدار این دو کشور مرتبط می‌دانند. با این همه، بیشتر فعالان رسانه‌ای معتقدند که رویارویی طالبان، پاکستان و ایران بخشی از تبلیغات رسانه‌ای دو کشور برای انحراف ذهنیت‌ها در جغرافیای زیر کنترل‌شان است تا بتوانند در مواقعی از بروز انتقادات جلوگیری کنند.

عالمان دین در فراه:

از حاکمیت طالبان ناامید شده‌ایم

در جریان جنگ دو دهه اخیر، ملا و مسجد همواره دو گزینه برای رشد و تقویت طالبان در افغانستان بوده‌اند.

حاکمیت طالبان، ملاحی حامی این گروه که تا دو سال پیش جنگ طالب را جهاد و نظامیان پیشین را دست‌نشانده غرب می‌خواند، از عمل کرد این گروه ناامید شده‌اند و تبلیغ به نفع طالبان پیشمانند. مولوی عبدالحلیم (نام مستعار) یکی از علمای دین و امام یک مسجد در شهر فراه است. او می‌گوید که پس از سال‌ها تبلیغ و حمایت از طالبان، با گذشت دو سال از حاکمیت این گروه متوجه شده که آن‌چه انجام می‌شود، مطابق به اسلام و قوانین آن نیست.

تعدادی از عالمان دین همواره از طالبان حمایت کردند و این یکی از دلایل اساسی سقوط نظام و برگشت طالبان به شمار می‌آید. در جریان جنگ دو دهه اخیر، ملا و مسجد همواره دو گزینه برای رشد و تقویت طالبان در افغانستان بوده‌اند. تعدادی از ملاحی به‌عنوان مبلغان مساجد و مدرسان مدارس دینی در زمان حکومت پیشین فتوای جهاد صادر کردند و سبب شدند که نظام را به سوی سقوط سوق دهند. اکنون اما با گذشت دو سال از

او می‌افزاید که به‌عنوان یک عالم دین، از عمل کرد این گروه ناامید شده است. این عالم دین در صحبت با روزنامه ۸صبح گفت: «نظام اسلامی باید به ملت سهولت ایجاد کند، صدای مردم را بشنود، اما حالا که می‌بینیم، از طالبان ناامید شده‌ایم؛ چون به جای این که صدای مردم غریب را بشنود، از ظلم و شکنجه و زور کار می‌گیرد. مردم فراه دهقان کار هستند. چند هفته پیش جمع شدند و به پیش رییس زراعت رفتند، به خاطری که حالا فصل برداشت حاصلات وطنی به‌خصوص رومی و بادرنگ است تا یک تعرفه بالای همین حاصلات مشابه که از کشورهای خارج وارد می‌شود، وضع کنند یا در قسمت سردخانه با ما همکاری کنند. هنوز مردم مشکلات خود را کامل نگفته بودند که رییس زراعت به دشنام دادن شروع کرد.»

ادامه در صفحه ۷

امت یا مردم؟



طالبان حاضر نیستند یک گام هم از تصمیم‌هایی که گرفته‌اند پا فراتر بگذارند و به خواست‌های جامعه بین‌المللی تن دهند. امت مورد پسند طالبان نیز هیچ واکنشی به آنچه این گروه مرتکب آن می‌شود، از خود نشان نمی‌دهد. این همان «امت اسلامی» مورد نظر ملا هیت‌الله و بقیه ملاهای بر سر اقتدار در افغانستان است.

مزدک پارسی

ماندن این گروه در قدرت را تضمین کند. در انتخابات بعدی ممکن است مردم به نیروی سیاسی دیگری رای دهند و این طوری، امارت طالبانی می‌رود پی کارش. تنها راه جلوگیری از ریزش سیاسی طالبان این است که جلو هر گونه تلاش برای احیای مردم به‌عنوان سوژه اصلی نماینده‌گی و همچنان تقدس‌زدایی از ملا هیت‌الله گرفته شود. طالبان برای زنده ماندن در کنار احیای امت، به بتی به‌نام امیرالمومنین نیز نیاز دارند. اگر این بت بشکند، پایان پروژه طالبان کلید می‌خورد. از این نظر، طالبان هرگز به انتخابات تن نمی‌دهند و به تفکر بدوی‌شان در پیوند به بیعت امت اسلامی ادامه خواهند داد.

ضرورت بازسازی مردم

در حالی که طالبان تلاش دارند مردم را به‌گونه کامل از اجتماع حذف کرده و امت را جاگزین آن کنند، چاره‌ای نیست جز این که بر بازسازی مردم به‌عنوان سوژه سیاسی مبارز در برابر طالبانیزه کردن زنده‌گی تأکید کنیم؛ نوعی بارگذاری مجدد و بهبودیافته مردم که عیب‌وایرادهای نسخه‌های قدیمی‌اش تا حدی رفع شده و به پادمردم نزدیک‌تر است تا مردم قدیمی. این یک دستور کار خیالی و ایده‌آل نیست. بخشی از نیروی فعال برنامه بازسازی مردم، در حال حاضر در میدان سیاسی افغانستان حضور دارد؛ زنان. مقاومت زنانه می‌تواند یکی از الگوهای سازمان‌دهی سیاسی برای آغاز این برنامه باشد؛ برنامه‌ای که باید خیلی گسترده‌تر از مقاومت کنونی زنان برآمد کرده و از آفرینش سیاست‌رهای بخش با تکیه بر نیروی سیاسی تازه سامان گرفته، حمایت کند. نیروی بازسازی شده مردمی اگر نمی‌تواند به‌گونه کامل از رهبری عمودی و سیاست نماینده‌گی دست بردارد، دست کم باید به سیاست جمعی افقی که در شرایط ایده‌آل حاضر نیست به نمایندگی تن دهد، اما گاهی جبراً به آن اعتنا می‌کند، اهمیت بیش‌تری قابل شود. مردم جدید باید از دموکراسی واقعی در برابر ایدئولوژی تمامیت‌خواهانه طالبان دفاع کنند. این مردم باید زنده‌گی را از چنگال توحش طالبانی برهاند و امید و خوش‌بینی به آینده را احیا کنند.

گرفته و هیچ بلندپروازی‌ای برای «ملت‌سازی» در افغانستان زیر سلطه طالبان ندارد. نماینده‌گان مردم با سردمداران امت وارد تعامل شده‌اند و به‌جای تحمیل و دیکته مردم‌سالاری مورد نظرشان، از گروه نشسته بر اریکه قدرت در کابل می‌خواهند که پروژه امت‌سازی‌اش را آهسته و تدریجی به پیش ببرد تا کم‌تر واکنش‌برانگیز شود! نماینده‌گان مردم‌سالاری حالا توقعات کلانی از طالبان ندارند. صرفاً می‌خواهند حق آموزش و کار زنان برگردانده شود و طالبان به بقیه اقوام نیز در رژیم‌شان سهمی در نظر بگیرند که نامش را حکومت همه‌شمول گذاشته‌اند.

طالبان اما حاضر نیستند یک گام هم از تصمیم‌هایی که گرفته‌اند پا فراتر بگذارند و به خواست‌های جامعه بین‌المللی تن دهند. امت مورد پسند طالبان نیز هیچ واکنشی به آنچه این گروه مرتکب آن می‌شود، از خود نشان نمی‌دهد. این همان «امت اسلامی» مورد نظر ملا هیت‌الله و بقیه ملاهای بر سر اقتدار در افغانستان است. طالبان برای ماندن در قدرت به این امت لال و کر و کور نیاز دارند نه مردم فعال و علاقه‌مند مشارکت سیاسی. امارت طالبانی حتا کم‌ترین علاقه‌ای به برگزاری انتخابات به‌عنوان سازوکار مشروعیت‌دهی مردم به دولت، ندارد؛ چون اتکا بر این مکانیسم را به‌معنای زوال تدریجی خودش می‌داند. اگر اصل بر انتخابات باشد، مردم فردی را انتخاب می‌کنند که خواهان آن باشند نه آئی که ملا هیت‌الله می‌خواهد. این کار تقدس‌زدایی از امیرالمومنین خواهد بود؛ فردی که مدعی است به گفته‌ها و فرمان‌هایش مثل گفته‌ها و فرمان‌های پیامبر اسلام مویه‌مو عمل شود.

در صورت بازگشت رژیم رای - حکومتی که مبتنی بر اصل کسب مشروعیت مردمی از طریق انتخابات است - حاکمیت طالبانی مجبور است کار بی‌وقفه، طولانی و خسته‌کننده‌ای برای جلب رضایت مردم کند که در این صورت، طالبان به‌سختی می‌توانند از عهده آن بریبایند. چرا طالبان خودشان را درگیر کاری کنند که باوری به آن ندارند و از نظر استراتژیک نیز برای آنان مرگبار است. مردم‌سالاری حتا اگر در کوتاه‌مدت بتواند به‌بقای طالبان کمک کند، در درازمدت نمی‌تواند

گرفته و به حضور نمایشی‌شان در انتخابات نیز احترامی قابل نمی‌شدند. نتیجه رای مردم و آنچه سیاست‌بازان و دولت‌مردان فاسد می‌خواستند، یکی نبود. در هر بحران پس‌انتخاباتی این مردم بودند که یک گام به عقب رفته و جای خود را به نماینده‌گان خودخوانده‌شان واگذار می‌کردند. وقتی مردم از صحنه سیاسی حذف شدند، دولت‌مردان فاسد که انتخابات را دستکاری و مشروعیت مردمی را به‌سود خود مهندسی کرده بودند، تا توانستند به‌جای مردم تصمیم گرفتند و به‌نام آن دست به فسادهای کلان مالی زدند، بی‌باک از آن که مردم دیگر وجود ندارند.

آن دولت فسادزده سرانجام فرو پاشید و گروهی جاگزین آن شد که حتا حضور کاریکاتوری مردم را در سیاست نمی‌پذیرد. حالا امت طالبانی به صحنه بازگشته است. این امت در بیست سال حکومت مورد حمایت غربی‌ها که دهل دموکراسی می‌نواخت و از مشق مردم‌سالاری می‌لافید، از میان نرفته بود. در یک کشور اسلامی، امت همیشه حضور دارد؛ گاهی قوی و برجسته و گاهی هم خفیف و کم‌سرور. مرز میان امت و مردم همیشه مشخص و آشکار نیست. مردم و امت در درون هم به زنده‌گی ادامه می‌دهند و با تکیه بر تغییر موج سیاسی حاکم، یکی بر دیگری غلبه کرده و نقش مرکزی را بر دوش می‌گیرند.

حالا که امت اسلامی مورد نظر طالبان جاگزین مردم مورد پسند دموکراسی لیبرال شده است، این سیاست‌گران فراری خارج‌نشین هستند که بیش از هر کس دیگری مردم‌مردم می‌کنند؛ آنانی که بیست سال پیش تجارت پرسودی را زیر نام این نیروی بی‌زبان و به‌حاشیه‌رانده‌شده در کشور کساد شده است. آنان اگر دوباره فرصت سیاست‌کردن بیابند، این تجارت را از سر خواهند گرفت و بازهم ما در گردش باطلی خواهیم افتاد که در بیست سال گذشته با گوشه‌ت و پوست خود حس کردیم.

به هر حال، در شرایط کنونی حتا ایالات متحده امریکا به‌عنوان سردمدار دموکراسی لیبرال پس از بیست سال جنگ خونین و ویران‌گر، راه «تعامل» با سردمدار استبداد دینی امت‌گرا را در پیش

مردم نیروی اساسی در هر نظم نماینده‌گی محور است؛ نیرویی که با پذیرش امر وحدت، امکان سیاست به‌معنای برساخته‌اش را فراهم می‌کند. از این نظر، مردم عنصر محوری هر نظم عمودی مبتنی بر اصل نماینده‌گی است؛ چه دموکراسی نماینده‌گی باشد و چه نماینده‌گی اقتدارگرایانه و غیردموکراتیک. در هر دو نوع از نظم نماینده‌گی محور، مردم حضور نمادین دارند؛ چون مشروعیت سیاسی تنها از طریق این نیرو فراهم می‌شود. حتا در استبدادی‌ترین نظم‌های غیردموکراتیک دینی، مراجعه به آرای مردم برای کسب مشروعیت سیاسی رعایت می‌شود. برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی حتا در بیش‌تر کشورهای اسیر دیکتاتوری، سازوکار مشروعیت‌دهنده به‌حساب می‌آید و رژیم‌های استبدادی تمام تلاش خود را می‌کنند تا از این طریق خود را مشروع و همه‌پذیر نشان دهند.

در افغانستان پس از سال ۲۰۰۱ که دولت مورد حمایت غربی‌ها روی کار آمد، انتخابات به‌عنوان مکانیسم مشروعیت‌دهنده در قانون اساسی درج شد و در چند انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی مردم به پای صندوق‌های رای فراخوانده شدند تا به نظم سیاسی موجود مشروعیت دهند. اما هر قدر مردم بیش‌تر تمرین انتخابات را از سر می‌گذراندند، بدبینی‌شان نسبت به دموکراسی نماینده‌گی زیاده‌تر می‌شد. دولت‌مردان فاسد مکانیسم انتخابات را نیز با فساد آلوده کردند تا آنچه ظاهراً اراده آزاد مردم نامیده می‌شد را دستکاری و مهندسی کنند. این کار اما در کنار تنش‌های دوام‌دار سیاسی، بزرگ‌ترین ضربه را بر نیروی زد که عنصر اصلی و مرکزی هر نظم نماینده‌گی محور خوانده می‌شود: مردم.

با برگزاری هر انتخابات در افغانستان، مردم به‌جای این که یک گام به پیش بگذارند و نقش سیاسی بیش‌تری ادا کنند، برعکس زیادتر به حاشیه برده شده و به‌تدریج حذف شدند. مردم دیگر نقش صرفاً کاریکاتوری و کاملاً نمایشی داشتند و حتا در روندهایی که با استفاده از نام آن‌ها برگزار می‌شد، دزدان سیاسی به‌جای مردم تصمیم

تلاش «ارکستر همنوایی آزاد افغانستان»، روزنه هنر پویا در میان سکوت و ناامیدی



محمود همرز م

تعدادی از هنرمندان جوان افغانستان در غربت، ایجاد گروهی، تلاش دارند هنر موسیقی را زنده نگه دارند. بنیان‌گذاران این گروه دختران و پسران جوان هستند که طی بیست سال اخیر هنر موسیقی را آموخته و پس از سقوط کابل به دست طالبان، به کشورهای مختلف آواره شده‌اند.

هدف از ایجاد «ارکستر همنوایی آزاد افغانستان» یا (Afghanistan Freehormonic Orchestra (AFO)، تلاش برای مهیا ساختن زمینه‌های بروز استعدادها و توان‌مندسازی جوانان نوازنده موسیقی است تا بتوانند صدای خاموش و سرکوب‌شده موسیقی افغانستان را رساتر فریاد کنند و در آوردن آزادی و صلح با سایر هموطنان همراه شوند.

تا کنون بیش از ۳۰ جوان هنرمند از داخل و بیرون کشور عضویت «ارکستر همنوایی» را گرفته‌اند. آن‌ها چندین پارچه موسیقی را به گونه زنده از کشورهای مختلف اجرا کرده‌اند که مورد توجه علاقه‌مندان موسیقی نیز قرار گرفته است. کلاس‌های آنلاین آموزش موسیقی برگزار می‌کنند و جوانان را تشویق می‌نمایند تا از طریق هنرشان برای تغییر جامعه سنتی افغانستان نقش ایفا کنند.

سیونچ و شکریه از دخترانی‌اند که عضویت این گروه را دارند. آنان از اعضای محروم جامعه‌اند که طی بیست سال گذشته با وجود مخالفت‌های سنت و حاکمیت مردسالاری، به موسیقی رو آورده و در مکتب موسیقی افغانستان در شهر کابل، ویولن و گیتار آموخته‌اند. آن‌ها امروز توانایی تهیه کمپوز و ملودی‌های دلنشین را دارند. بعد از تحولات سیاسی اخیر، این دختران با مشکلات بسیاری از افغانستان بیرون شده‌اند، اما آلات موسیقی آن‌ها توسط طالبان از بین برده شد. با این حال، از عزم آن‌ها برای فراگیری موسیقی کاسته نشد و اکنون در غربت برای آرزوهایشان تلاش می‌کنند. علاوه بر آن، به هم‌نسلان‌شان کمک می‌کنند تا از طریق موسیقی صدای مردم خود باشند.

قدرت واصفی از بنیان‌گذاران جوان «ارکستر همنوایی آزاد افغانستان» است. این نوجوان

مستعد موسیقی توانسته است اهدافش را جهت فراگیری موسیقی و دمیدن نفس تازه به موسیقی خاموش‌شده افغانستان متمرکز کند. او با ایجاد روابط و ساختن وب‌سایت و پیدا کردن استعدادهای پنهان، تلاش می‌ورزد که روزنه امید موسیقی اصیل افغانستان باشد. نمی‌خواهد در میان ناامیدی‌ها و سرکوب موسیقی، معرفت افغانستان به باد فراموشی سپرده شود.

قدرت واصفی از طفولیت در پرورشگاه‌های افسیکو AFCECO - Afghan Child Education and Care Organization بود و از آن‌جا به مکتب موسیقی افغانستان راه یافت. اکنون واصفی شیپور و ترامپت‌نواز ماهر در سطح کشور است. او با تلاش‌های فراوان توانست بورسیه تحصیلی امریکا را به دست بیاورد و هم اکنون مشغول تحصیل است.

او در چندین برنامه موسیقی در ایالات متحده امریکا به نمایندگی از افغانستان اشتراک کرده و هنر و توانایی و استعدادش را به نمایش گذاشته است. استعداد و توانایی او، مورد توجه بسیاری از علاقه‌مندان و استادان دانشگاهش قرار گرفته است.

واصفی در یک خانواده فقیر متولد شد؛ جایی که موسیقی گناه تلقی می‌شد. با وجود آشفته‌گی در کشورش، احساسات خود را به آهنگ‌های تأثیرگذار منتقل کرد که در سطح کشور طنین‌انداز شد. او با همکاری هنرمندان سراسر جهان، موزیک‌ویدیوی تکان‌دهنده «کودکان جنگ» را منتشر کرد که مقاومت و معصومیت در ناملایمات را به تصویر می‌کشید. آهنگ‌سازی او «شمع امید در تاریکی» نوازنده‌گان ایتالیایی را متحد کرد.

امسال، او به نمایندگی از افغانستان در کنسرت معتبر بوستون، به میراث هنری میهن خود احترام گذاشت. قابل ذکر است که او آهنگ مسجورکننده «آی شاخ گل» را برای گروه «جشنواره امریکایی» تنظیم کرد و مخاطبان دانشگاه ایالتی یوتا را مجذوب خود ساخت. این تلاش‌ها نشان‌دهنده تعهد او به هماهنگ کردن فرهنگ‌های گوناگون از طریق استعدادهایش است. او از طریق ملودی‌ها و آهنگ‌هایش، وحدت می‌بافد و به ما یادآوری می‌کند که حتی در تاریک‌ترین زمان‌ها، روح انسان می‌تواند

اوج بگیرد و سمفونی‌های عمیقی را تنظیم کند. نجیب انگار یگانه درم‌نواز نوجوان کشور است که بعد از حاکمیت طالبان از کشور بیرون شده است و در پرتغال به تحصیل موسیقی ادامه می‌دهد. او چندین پارچه موسیقی را مستقلاً اجرا کرده است که در رسانه‌های اجتماعی مورد توجه علاقه‌مندان قرار گرفته است. او نیز یکی از دست‌اندرکاران ایجاد ارکستر است.

انگار در یک خانواده دهقان متعلق به اقلیت‌های افغانستان به دنیا آمد که در طول تاریخ با تبعیض روبه‌رو بوده و در سن هفت‌سالگی آرامش و امید نسبی را در دیوارهای پرورشگاه «AFCECO» تجربه کرد. در سال ۲۰۱۱، نجیب با انگیزه و اشتیاق خود، با ثبت نام در مؤسسه ملی موسیقی افغانستان، رویای خود را دنبال کرد. به‌زودی متوجه شد که نام واقعی او در قلمرو سازهای کوبه‌ای است؛ حوزه‌ای که عمیقاً در روح او طنین‌انداز شد.

پس از فارغ‌ت از رشته سازهای کوبه‌ای، همکاری با گروه‌های متعدد و نوازنده‌گان محلی را پذیرفت و کارنامه موسیقی خود را گسترش داد. او مخاطبان را با اجراهای مسحورکننده، مجذوب خود کرد. از ولایات دورافتاده افغانستان تا صحنه‌های بیرون از کشور، او میراث فرهنگی غنی ملت جنگ‌زده خود را به نمایش گذاشت و یادآور روحیه تسلیم‌ناپذیر آن بود. به رغم مواجهه با ناملایمات بزرگ، عزم نجیب او را وارد فصل جدیدی از زنده‌گی‌اش کرد. پس از سقوط غم‌انگیز کابل به دست طالبان در سال ۲۰۲۱، او به پرتغال پناهنده شد. اگرچه اسکان مجدد چالش‌های خاص خود را داشت، اما نجیب با سرسختی قلب و روح خود را به موسیقی ریخت تا موانعی که فراراهش بود را بردارد و در این عرصه فعالانه تلاش و کار کرد.

دان بلک ویل (Dan Blackwell) انگلیسی، مشوق خوب جوانان هنرپرور افغانستان و یکی از بنیان‌گذاران «ارکستر همنوایی آزاد افغانستان» است. او آهنگ‌ساز، تهیه‌کننده، مستندساز و برنده جوایز متعدد است. دان بلک ویل از سال ۲۰۱۳ با نوازنده‌گان سراسر جهان با هدف متحد کردن مردم با هر پیشینه‌ای، به ترویج صلح همکاری می‌کند. در سال ۲۰۱۷، دان برای فلم‌برداری مستند خواهران

در مورد زهره (اولین ارکستر زن افغانستان) به کابل سفر کرد. خواهران در مجلس نماینده‌گان بریتانیا برای کمک به افزایش آگاهی در دولت بریتانیا در مورد مسایلی که زنان در افغانستان با آن روبه‌روند، معلومات کافی ارایه کرد.

از آن زمان دان مشتاق کمک به هنرمندان افغان در سراسر جهان بوده است. هدف او، ساخت موسیقی و فلم‌های مستند در سراسر جهان با همکاری سایر نوازنده‌گان برای گفتن داستان‌های ناگفته و کمک رساندن به افرادی است که موسیقی را به‌عنوان وسیله برای تبدیل جهان به مکانی بهتر استفاده می‌کنند.

صدیق‌احمد سهراب نیز یکی از بنیان‌گذاران اصلی «ارکستر همنوایی آزاد افغانستان» است. وی در افغانستان به دنیا آمده و بزرگ شده است. همچنین یکی از اعضای مؤسس گروه کابل دریمز (Kabul Dreams)، اولین گروه راک کشور است. سهراب یک نوازنده باتجربه در سازهای مختلف از جمله کیبورد، گیتار باس، ویولن و رباب است. سازهای فلکلور افغانستان در روح و روانش جایگاه ویژه دارد؛ زیرا به او اجازه می‌دهد حتا زمانی که از میهن خود دور است، با ریشه‌های فرهنگ خود ارتباط برقرار کند. او یک تهیه‌کننده موسیقی ماهر است که با برخی از برجسته‌ترین هنرمندان افغانستان مانند استاد مهوش و همچنین هنرمندان نوظهور همکاری داشته است. علاوه بر نوازنده‌گی در گروه و تولید موسیقی، تجربه موسیقی سهراب به فلم نیز تعمیم می‌یابد و برای دو فلم کوتاه و یک فلم بلند موسیقی ساخته است که در حال حاضر در مدار جشنواره حضور دارند.

هدف مهم «ارکستر همنوایی آزاد افغانستان» ضبط مجازی قطعات و تمرکز روی موسیقی افغانستان است که بعد از تسلط طالبان خاموش شده است. این تلاش‌ها در حالی انجام می‌شود که هنرمندان افغان از سوی نیروهای طالبان ساکت شده و آلات موسیقی آن‌ها نابود گردیده است. اکثریت این هنرمندان مجبور به ترک کشور شده و در نقاط مختلف جهان آواره گردیده‌اند. این گروه اکنون تلاش می‌کند همه هنرمندان افغان را متحد کرده و یک‌صدا برای صلح و آزادی کار کنند.

لن‌لن زن

هانیه ملک

هزینه دیر به جهان رسیدن ما



کابوس سن‌وسال و پذیرش آن در ذهن زنان است. من فکر می‌کنم که دشمن‌ترین دشمن زنان، خودشان هستند. ما خوراکی‌های مسموم را از خانواده، دانشگاه و جامعه دریافت کرده‌ایم و حالا با جانی مسموم، به جان عمر و آرامش خودمان افتاده‌ایم. در سال‌یاد یکی از طنزنویسان، طنز جالبی با مضمون مرتبط با این نوشته خوانده بودم. مادر یک پسر جوان جوان و نسبتاً نازیبا دختر همسایه را برای پرسش خواستگاری می‌کند. خانواده دختر آن قدر شرط پیش پای پسر می‌گذارد که خود هر چند ماه بخشی از آن شرط‌ها را کم می‌کند تا مگر وصلت سر بگیرد. سر آخر پسر از آن شهر سفر می‌کند، کار خوبی پیدا کرده و ازدواج می‌کند. صاحب فرزند می‌شود و در جواب یکی از نامه‌های آن دختر همسایه که دیگر هیچ شرطی برای ازدواج ندارد، می‌نویسد: «با دختر زیبایی که کاری با روش زنده‌گی کردن من نداشت، ازدواج کرده‌ام. سن‌وسال تو به جایی رسیده که در آن شهر به دختری مجرد در آن سن می‌گویند ترشیده» - معادل همان اصطلاح «خانه‌مانده» در افغانستان.

کهنه‌اش می‌کنیم و با خود می‌گوییم که شاید دفعه بعد به اختیار خویش لباس بهتری بر تن کنیم.

می‌گویند این حسرت‌ها برای مردان هم هست. انگار مردان هم قربانی آموزه‌های رنج‌آوری‌اند، اما این مساله در زنان با ترس زوال همراه است و زن و مرد (در جامعه سنتی و جامعه در حال گذار از آن) زن را بیش از هر چیزی با جسمش تعریف می‌کنند. زن درس می‌خواند، دانشگاه می‌رود یا نمی‌رود. کار می‌کند اما هنوز می‌ترسد که از نظر دیگران زیبا نباشد. نتواند برای خودش هر قدر هم موفق و سالم باشد، تشکیل خانواده بدهد. چرا؟ چون او انتخاب‌شونده است. زن می‌ترسد از این که نتواند با فرد مناسبی ازدواج کند و تن به یک ازدواج نابرابر بدهد. در پس پیری از چشم همسرش بیفتد یا پای زن دیگری به زنده‌گی‌اش باز شود.

چیزی که مرا بیش از هر چیز دیگری رنج می‌دهد،

طولانی‌خرانی در نیم‌قرن‌ساله‌گی - زمانی که داریم برای عزیزی شال گردن می‌بافیم - ۴۰ ساله‌گی‌مان را بررسی می‌کنیم و این که چرا آن زمان فکر می‌کردیم که «زیبا نیستیم». ۶۰ ساله‌گی‌مان شروع حسرت‌های ۵۰ ساله‌گی و حتا ۱۰ ساله‌گی است. چرا در ۱۰ ساله‌گی آن لباس سبز با جوراب‌های سپید را نپوشیدم. در چند و چند ساله‌گی غصه ۲۰ ساله‌گی را می‌خوریم که چرا فلان روز به گردش طبیعت نرفتم و چرا در شب ۲۵ ساله‌گی‌ام بلندبند نخندیدم. این چرخه تکرار و تکرار می‌شود تا بالاخره می‌رسد به آن چه از اوج جوانی با ترسش زنده‌گی را به کم‌هوده‌گی گذرانیدیم.

شکافتن لباس سخت است. از ترس شکافتن و دوختن دوباره، کم‌کم تن خود را به اندازه آن جامه درمی‌آوریم. آن چه را جامعه بدون واقعیات زیستی ما برای ما خواسته بود/است، می‌پذیریم. می‌پوشیم،

ادامه در صفحه ۷



مناطق قبایلی پاکستان، بمب ساعتی در آستانه انفجار

منبع: الشرق الأوسط

۸ صبح

به صورت کلی، این روزها سه گروه تروریستی در مناطق قبایلی پاکستان فعالند. این گروه‌ها عبارتند از: اول، تحریک طالبان پاکستان. در زیر پرچم این گروه از ۳ تا ۴ هزار جنگ‌جو فعالیت می‌کنند. تمرکز فعالیت‌های این گروه بر مناطق مرزی نزدیک به افغانستان است. دوم، داعش خراسان که پس از عقب‌نشینی امریکا از افغانستان، عملیات‌های سنگینی را در شهرهای این کشور سازمان‌دهی می‌کند. سوم، شبکه القاعده که این گروه هم حضور پررنگی در مناطق قبایلی پاکستان دارد. با توجه به این مسایل، می‌توان گفت که مناطق قبایلی پاکستان شبیه بمب ساعتی هر لحظه ممکن است منفجر شود.

در کنار این گروه‌ها، گروه‌های مسلح دیگری هم هستند که از کشورهای همسایه افغانستان فرار کرده‌اند و اکنون در افغانستان و مناطق قبایلی پاکستان، پنهان از انظار زنده‌گی می‌کنند. در مناطق قبایلی پاکستان، عرب‌های افغان و همچنین جهادی‌ها از کشورهای دیگر حضور چشم‌گیر دارند؛ اما اعضای این گروه‌ها با ساکنان بومی ازدواج کرده‌اند و اکنون مثل شهروندان اصلی آن مناطق، زنده‌گی می‌کنند.

دولت حایل

مناطق قبایلی پاکستان زمانی به‌وجود آمد که امپراتوری بریتانیا در شبه‌قاره هند تصمیم گرفت افغانستان را به‌عنوان دولت حایل میان هند بریتانیایی و امپراتوری روسیه در آسیای میانه بسازد. به این ترتیب، مناطق قبایلی به‌مثابه منطقه فاصله‌افکن میان افغانستان ناآرام و امپراتوری هند بریتانیایی که در آرامش و صفا به‌سر می‌برد، قلمداد شد.

با این‌حال، بریتانیایی‌ها در خاموش کردن اغتشاشات در منطقه به‌صورت کامل موفق نشدند، اما به همین قدر راضی بودند که از ناآرامی‌های کابل دورند. حکومت استعماری بریتانیا کوشید تسلط خود را بر ساکنان مناطق قبایلی گسترش دهد و «قوانین جرایم مرزی» را ساخت و در چارچوب آن، به رهبران محلی در طول مرز شمال‌غربی قبایل، صلاحیت داد که از طرف حکومت بر مردم حکمرانی کنند.

پس از تأسیس پاکستان در سال ۱۹۴۷، حکومت پاکستان سیاست استعماری بریتانیا را در برابر مناطق قبایلی به‌نوعی ادامه داد. در دهه هشتاد، حکومت نظامی جنرال ضیاءالحق از مناطق قبایلی به‌حیث پایگاه برای کمک به جهاد در افغانستان علیه شوروی استفاده کرد و این امر به افراطی شدن مردم این مناطق منتهی شد.

قانونی برای ادغام مناطق قبایلی

از نظر اقتصادی، منطقه قبایل، منطقه عقب‌مانده و فقیر در پاکستان است. در سال ۲۰۱۸، پارلمان پاکستان قانونی را برای ادغام مناطق قبایلی با ایالت خیبرپختونخوا تصویب کرد. پیش از آن، اداره مناطق قبایلی به حکومت فدرال در اسلام‌آباد مربوط می‌شد. دولت مدرن در افغانستان زمانی به‌وجود آمد که روبرویی نظامی مستقیم میان امپراتوری در حال گسترش روسیه و هند بریتانیایی در قرن هجدهم میلادی، اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌آمد. در این دوران، سه قدرت بزرگ جهان، روسیه، بریتانیا و ایالات متحده امریکا، دولت افغانستان را تمویل می‌کردند تا از به‌وجود آمدن مشکلات جلوگیری کنند. این جغرافیای بیرون از سیطره قدرت‌های بزرگ که افغانستان نامیدند، درد سرهای بزرگ برای قدرت‌های جهانی ایجاد می‌کرد. به گفته بسیاری از مورخان معتبر، همین امر سبب شد که افغانستان معاصر شکل بگیرد. مناطق قبایلی پاکستان، نوار حایل میان هند بریتانیایی و دولت به‌انزوارفته افغانستان ایجاد می‌کرد. جالب این که خود افغانستان قرار بود منطقه حایل میان امپراتوری روسیه در آسیای میانه و هند بریتانیایی باشد. بریتانیایی‌ها کوشش کردند آرامش را به این جغرافیای بی‌قانون و منزوی برگردانند و از آن به‌عنوان پرده آهنین برای جلوگیری از نفوذ و گسترش امپراتوری روسیه کار بگیرند.

در جریان جنگ سرد، اهمیت افغانستان برای اتحاد جماهیر شوروی و نیز برای کشور رقیب آن، ایالات متحده امریکا، نیازی به شرح و بیان ندارد.

طالبان و کوشش برای از میان برداشتن مرزهای بین‌المللی

هنوز هم برخی از مورخان و ناظران به این باورند که رهبری شوروی سابق پس از آن تصمیم به مداخله نظامی در افغانستان را در دسامبر ۱۹۷۹ گرفت که گزارش‌هایی را دریافت کرد مبنی بر این که شاخه خلق در حزب دموکراتیک خلق افغانستان، با سازمان استخبارات مرکزی امریکا (سی‌آی‌ای) وارد سازش و معامله شده و این اتفاق ممکن است زمینه را برای ورود امریکایی‌ها به افغانستان فراهم آورد.

رهبران شوروی می‌ترسیدند که اگر این اتفاق بیفتد، انقلاب کمونیستی در افغانستان فرو می‌پاشد. از ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۱، امریکایی‌ها تریلیون‌ها دالر را هزینه کردند تا دولت پایدار در افغانستان ایجاد کنند، ولی در این زمینه به‌سرعت ناکام شدند. واضح شد که افغان‌ها نظر به‌دلایل فرهنگی، حکومت مرکزی قوی را برنمی‌تابند. به همین لحاظ، وقتی امریکا از افغانستان رفت، نیروی شورشی طالبان، نهاد دولتی را که دست‌ساخته امریکا بود شکست داد و موجب شد که در هنگام عقب‌نشینی نیروهای

گروه قومی‌ای که بیش‌ترین تعداد افراد را دارد و مهم‌تر از همه است، قبیله پشتون است. اکثریت باشندگان پشاور، کوهات و بنو را همین قبیله تشکیل می‌دهد و آن‌ها به زراعت مشغولند.»

قبایل در مناطق مرزی پاکستان تا حد زیادی متأثر از فرهنگ طبقه متوسط پاکستان شده‌اند که سبک زنده‌گی آنان را کانال‌های تلویزیونی پاکستان به نمایش می‌گذارند. اکنون می‌توان مردان قبایل را در تالارهای پارلمان پاکستان دید که از حکومت می‌خواهند برای‌شان مکتب و دانشگاه بسازد. گزارش‌ها در رسانه‌های پاکستانی می‌رسانند که تحریک طالبان پاکستان، محبوبیتش را در میان قبایل پاکستانی از دست داده است. مردم در این مناطق از این می‌ترسند که بازگشت طالبان، مشکلات‌شان را افزایش دهد. همپیمانان جهانی حکومت پاکستان، حکومت مرکزی را تشویق می‌کنند که در مناطق قبایلی پروژه‌های توسعه‌ای را افزایش دهد تا اطمینان حاصل شود که طالبان برنمی‌گردند.

حکومت پاکستان هراس دارد در صورتی که طالبان پاکستانی قادر شوند مناطق قبایلی را به پایگاه خود تبدیل کنند، حتما حوزه عملیات‌های نظامی خود را گسترش می‌دهند و خود را به شهرهای بزرگ و مهم می‌رسانند.

بعد از سال ۲۰۱۴، ارتش پاکستان کوشید شمار زیادی از نیروهای نظامی را در مناطق قبایلی جای دهد تا از خطر گسترش افراط‌گرایی و تروریسم جلوگیری شود. بنابر گفته آگاهان، حضور ارتش پاکستان در مناطق قبایلی، به طالبان پاکستان و دیگر گروه‌های تروریستی این اجازه را نمی‌دهد که پایگاهی برای خود در آن جا دست‌وپا کنند.

هم حکومت پاکستان و هم مردم این کشور هنوز نتوانسته‌اند پیامدهای امنیتی عقب‌نشینی امریکا از افغانستان را به‌درستی درک و هضم کنند.

تحولات پس از خروج امریکا از افغانستان

روشن است که پس از عقب‌نشینی امریکا از افغانستان، دو تحول مهم اتفاق افتاده است: یکی آن که تحریک طالبان پاکستان شروع به بازگشت از افغانستان کرده و رهبران آن، راه‌های بازگشت به مناطق قبایلی در پاکستان را جست‌وجو می‌کنند. اتفاق دیگری که در ادامه اتفاق اول است، این است که گروه‌های شورشی بلوچ، پایگاه‌های خود را از افغانستان به ایران منتقل کرده‌اند و از آن جا حملات‌شان را علیه ارتش پاکستان سازمان‌دهی می‌کنند.

تحول دوم آن است که داعش خراسان به‌گونه قابل توجهی در مناطق قبایلی پاکستان و افغانستان، دوباره خود را احیا کرده است. تمرکز فعالیت‌های این گروه بر هدف قرار دادن رهبران طالبان افغانستان است. داعش بعد از آن که تسلطش را بر بخش‌هایی از شرق افغانستان در نتیجه بمبارمان هوایی نیروهای امریکایی بین سال‌های ۲۰۱۶-۲۰۱۹ از دست داد، برنامه‌ای برای اشغال جغرافیا روی دست ندارد.

داعش خراسان و جنگ شهرها

یک تحلیل‌گر امنیتی پاکستانی می‌گوید: «در حال حاضر، فعالیت‌های داعش متمرکز بر جنگ‌های شهری است.»

سرنوشت با دولت و مردم پاکستان عادلانه رفتار نکرد. تمام نیروهای تروریسم جهانی فعال در افغانستان و پاکستان، دست‌ساز دولت پاکستان نیستند. این تحلیل‌گر پاکستانی می‌گوید: «با آن که در خلق گروه‌های تروریستی تنها دولت پاکستان مقصر نیست، اما با رفتن امریکایی‌ها از منطقه، پاکستان مجبور است به‌تنهایی با این گروه‌ها بجنگد. اگر در آینده ناگزیر شویم با نیروهای تجمع‌کرده تروریسم بین‌المللی در مناطق مرزی میان افغانستان و پاکستان، به مقابله بپردازیم، عملاً با مشکل کلانی مواجه خواهیم بود. ما توانایی تحمل هزینه جنگ طولانی‌مدت با این نیروها را نداریم. تأسف بار این است که این مسأله را درک نمی‌کنیم که جنگ بر سر قدرت در اسلام‌آباد، ما را از تحولاتی که به‌تازگی در مرزهای غربی پاکستان در حال روی دادن است، غافل ساخته است.»

خارجی از افغانستان، آشفته‌گی و بی‌نظمی عجیبی رونما شود.

مبالغه نیست اگر ادعا شود که اکنون تحریک طالبان افغانستان و تحریک طالبان پاکستان، هر دو، در واقع می‌کوشند مرزهای به‌رسمیت‌شناخته‌شده بین‌المللی را که بر اثر توافق امپراتوری‌های بزرگ در قرن بیستم ایجاد شده است، از میان بردارند؛ مرزهایی که قبایل پشتون را در میان دو کشور تقسیم کرده است.

پس از تلاش استعمار بریتانیا برای تعیین سرحدات میان افغانستان و هند بریتانیایی، دهه‌ها قبیله دو پارچه شدند. به گفته آگاهان، اکنون طالبان می‌خواهند این مرزها را از میان بردارند.

وزیرستان شمالی، مرکز نقل تروریسم

وزیرستان شمالی، که مرکز گروه‌های تروریستی به‌شمار می‌رود، از نظر مساحت، دومین اقلیم در مناطق قبایلی است. در این منطقه، حدود ۳۷۵ هزار تن زنده‌گی می‌کنند و اکثریت آنان متعلق به دو قبیله «وزیر» و «دوار» هستند.

به گفته حسن عباس، تحلیل‌گر امنیتی مقیم در واشنگتن، «منطقه وزیرستان همیشه مایه درد سر مزمن برای بریتانیایی‌ها بوده است. پس از به‌وجود آمدن پاکستان نیز، اعضای قبیله وزیر از پشتونستان‌خواهی (یک‌جا شدن پشتون‌های هر دو سوی مرز و تأسیس دولت جدید) حمایت می‌کنند و این موضوع، همیشه مایه تشویش و نگرانی دولت پاکستان بوده است. همین مسأله سبب شده که قبیله وزیر روابط نیک خود را با افغانستان حفظ کند.»

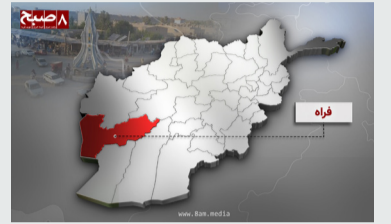
او می‌افزاید: «با این‌حال، از سال ۱۹۷۰ به این‌سو، تعداد زیادی از افراد قبیله وزیر به صفوف نیروهای مسلح پاکستان پیوسته‌اند و در مقایسه با دیگر قبایل، حضور پررنگ در بخش‌های امنیتی داشته‌اند.

همچنین وزیرستان جنوبی، بزرگ‌ترین منطقه در مناطق قبایلی از لحاظ مساحت جغرافیایی است. در این‌جا حدود ۴۲۵ هزار تن از اعضای قبیله محسود و وزیر زنده‌گی می‌کنند. این قبایل، افتخار می‌کنند که در جنگاوری نام دارند. همچنین این قبایل به جنگ‌های خونین در میان خود سرگرمند.»

تنوع قبیله‌ای با اکثریت پشتون

در منطقه مرزی پاکستان - افغانستان، مجموعه‌های بزرگ و متنوعی از قبایل کوچک و بزرگ و کوچی‌ها زنده‌گی می‌کنند. هر کدام از آن‌ها شبکه خاص ارتباطات خود را دارد. با این‌حال، همه آن‌ها در پتان (پشتون) بودن مشترکند. براساس کتاب کوچکی که حکومت خیبرپختونخوا نشر کرده، «به‌مرور زمان، شهرهای بزرگ، افراد مختلف را در خود جای داده و مردمان ساکن در شهرهای بزرگ، نسبت به سایر مناطق پاکستان، هویت تازه‌ای یافته‌اند. بسیاری از پشتون‌ها به شهرهای بزرگ، مثل پنجاب و سند و بلوچستان نقل مکان کرده‌اند یا مشغول به‌کار در آن جاها هستند.

عالمان دین...



به گفته او، طالبان در کنار دشنام، اقدام به تحقیر و لتوکوب نیز می‌کنند. او افزود: «به دشنام خلاصه نشد، زنگ زد به قوماندانی و رنجرها آمدند. تقریباً ۷۰ یا ۸۰ نفر را بردند، زند و زندانی کردند. در حالی که طالبان می‌گویند عالمان دین به پیش‌شان ارزش دارد، ده بار مراجعه کرده و روی خود را خوار کردیم، ولی گپ ما را ارزش ندارد و آنان را رها نکردند. مردم را به خاطر حق‌شان زندانی کرده‌اند. واقعاً به‌عنوان یک ملای مسجد، ظلم را به چشم خود دیدم و کلاً از همین طالبان ناامید شده‌ام.»

عبدالقدوس (نام مستعار) دیگر عالم دین در ولایت فراه، از آن‌چه در ادارات و محاکم گروه طالبان می‌گذرد، سخت ناراضی است. عبدالقدوس می‌افزاید که طالبان به جای سهولت و حق، دوباره روابط قومی، رفاقت و منطقه‌گرایی را حاکم کرده‌اند. او به روزنامه ۸ صبح گفت: «در اداره‌ها که مراجعه می‌کنید، کلاً با رفیق رییس است، یا برادر و بچه کاکا و اقوام. از ۵۰ نفر، ممکن یک نفر اگر بدون این وابسته‌گی‌ها در اداره وظیفه داشته باشد. وقتی هم برای کار مراجعه می‌کنید، هیچ‌کس پاسخگو نیست.»

به گفته او، در محاکم طالبان روابط شخصی مهم‌ترین بخش کار را تشکیل می‌دهد. او افزود: «خدا شاهد است به دوسیه‌هایی که باید رسیده‌گی شود، هیچ رسیده‌گی نمی‌شود. متهم با این‌که در زندان است، خود همراه یک رییس گشت‌وگذار می‌کند. هیچ فیصله‌ای هم در مورد جرمی که انجام داده، صورت نمی‌گیرد. بیشتر کسانی که قتل کرده، به خاطر شناخت می‌گویند که منتظر باشید دوسیه‌اش فیصله شود، به خطری که قومی طالب است؛ اما نفرهای زیادی هستند که واسطه ندارند و جزای سنگین حتی قصاص برای‌شان تعیین کرده‌اند.»

به گفته عبدالقدوس، همه عالمان دین از تبلیغ برای طالبان پشیمان شده‌اند. او گفت: «ما هم ناامید شده‌ایم و هم پشیمان هستیم، به خطری که در منبر مسجد از این گروه حمایت می‌کردیم که برحق هستند. امروز می‌بینیم که صدها گرسنه و فقیر در فراه مستحق دریافت کمک هستند، ولی این مردم کمک‌ها را به خود می‌گیرند یا به قوم و رفیق خود می‌فرستند.»

این در حالی است که با گذشت حدود دو سال از حاکمیت دوباره طالبان و وضع محدودیت‌های این گروه، شهروندان، به‌ویژه زنان از حق آموزش و کار محروم و با چالش‌های زیادی مواجه شده‌اند. گفتنی است که در جریان حکومت پیشین، سیاست‌مداران همواره حمایت عالمان دین از طالبان را محکوم می‌کردند، اما با آن هم آن روند به‌شدت ادامه یافت که در نهایت به سقوط نظام منجر شد.

فهم ستوده

اخیراً ویدیویی در شبکه‌های اجتماعی نشر شده است که نشان می‌دهد یک مرد اسماعیلی در بدخشان با حضور مقام‌های محلی طالبان مذهب خود را به حنفی تغییر می‌دهد. مقام‌های طالبان هم سخنانی را می‌گویند گویا او نامسلمان بوده و حالا می‌خواهد مسلمان شود. بالای او کلمه شهادت را می‌خوانند و می‌گویند دروازه دین اسلام به روی همه باز است. پس از آن نعره تکبیر سر می‌دهند. گویا پیروان مذهب اسماعیلیه مسلمان نیستند و پیش از این به وحدانیت خداوند و رسالت محمد باور نداشته‌اند. این در حالی است که پیروان هر مذهبی، خود را مسلمانان اصیل می‌دانند، همان‌طوری که پیروان هر دینی، دین خود را اصیل و برتر از سایر ادیان می‌پندارند. اگر چنین باوری وجود نداشته باشد، کسی به دین و مذهبی این‌گونه محکم نمی‌چسبد. در این‌جا اما بحث ما این نیست که چه مذهبی واقعاً اصیل است و کدام نیست؛ چه این‌که چنین بحث‌هایی منطقی هم نیست و هیچ‌گاه به نتیجه‌ای نمی‌رسد. مسأله ما دلیل تغییر مذهب است. دلیل تغییر مذهب یک باشند ولسوالی دوردست بدخشان را می‌شود از فضای آن منطقه فهمید. این اتفاق در ولسوالی اشکاشم افتاده است. اشکاشم از ولسوالی‌های کوهستانی است که اکثر باشندگان آن را شیعیان اسماعیلیه تشکیل می‌دهند. شیعیان اسماعیلیه، از اقلیت‌های مذهبی در سطح کشور به حساب می‌آیند. آن‌ها از سیاست و تجارت دور نگه داشته شده‌اند. اسماعیلیه‌ها هم مانند دیگر اقلیت‌ها در افغانستان چند تیکه‌دار دارند که هم شریک خوان تجارت‌اند و هم سهم‌دار دنیای سیاست. مردم عادی این اقلیت‌ها، فقیرترین و محروم‌ترین‌های جامعه افغانستان را تشکیل می‌دهند. در این‌که کسی اختیار تغییر مذهب خود را دارد، جای بحثی نیست. هر کسی اگر براساس باورهای خود و با آزادی کامل بخواهد مذهب خود را تغییر دهد، در حقیقت اعمال صلاحیت کرده است. در جوامع دموکراتیک چنین اتفاقاتی عادی است؛ اما در زیر پرچم طالبان، هیچ چیزی اختیاری نیست. این گروه حتا در مورد این‌که زنان چه رنگ لباس بپوشند و چندتا بچه به دنیا آورند، دخالت می‌کنند و وسایل و ادویه جلوگیری از بارداری زنان را منع می‌نمایند. در رژیم طالبان، اختیار معنایی ندارد. این‌جا همه تابع‌اند و باید از دستور ملاحظاتی

هزینه‌های زنده‌گی زیر پرچم طالبان



طالب اطاعت کنند. چنین وضعیتی است که مردم را بیش از همه نگران کرده است. اگر فردی با آزادی کامل خود مذهبش را تغییر دهد، مردم نسبت به آینده سرکوب مذهبی نگران نمی‌شوند. شاید طالبان با چماق و شلاق یا میل تفنگ به سراغ آن مرد نرفته باشند که به‌صورت گزینشی مذهب او را تغییر دهند. شاید او را از خانه‌اش کشان‌کشان به مسجد نیاورده باشند تا مراسم تغییر مذهبش را برگزار کنند. ولی ما می‌دانیم که طالبان از فقر مردم چگونه به‌عنوان ابزار فشار استفاده می‌کنند. این گروه هیچ حدومرز اخلاقی را نمی‌شناسد. وقتی مردم نانی برای خوردن ندارند، ولی طالبان به دلیل تعلقات مذهبی آن‌ها، کمک‌های بشری را به روی آن‌ها می‌پندند، آن‌ها مجبور می‌شوند برای گریز از چنین محرومیتی، راهی بیابند. وقتی مذهب خود را عامل محرومیت از کمک‌های بشری می‌دانند، مجبور می‌شوند آن را تغییر دهند. آن‌ها در حقیقت مذهب خود را در بدل بوجی‌های آرد و پپ‌های روغن می‌فروشند تا خانواده‌های‌شان از گرسنه‌گی هلاک نشوند. آن‌ها مذهب خود را در مقابل نان می‌فروشند.

تبعیض در افغانستان همزاد دولت مدرن بوده است. وقتی دولت مرکزی اقتدار حاصل کرد و به اصطلاح ملوک‌الطوایفی را از بین برد، این کار قتل‌عام‌های گسترده‌ای را همراه داشت. از آن پس هم محرومیت‌های برخی اقوام و مذاهب در کشور پیوسته وجود داشته است. حکومت‌ها این محرومیت‌ها را بر آن‌ها تحمیل می‌کرده و برخی از مردم نیز با حاکمان همنوایی داشته‌اند. اکنون که یک گروه رادیکال مذهبی-قومی بر سر اقتدار است، اقوام «دیگر» و پیروان مذاهب «دیگر» را به‌شدت از قدرت و ثروت کنار زده است. آن‌ها را از کمک‌های بشردوستانه نیز محروم کرده‌اند تا فشارهای مضاعفی را تحمل کنند.

سازمان‌های بین‌المللی و امدادگران توسط طالبان سمت‌وسو داده می‌شوند. یکی از نهاد‌های کمک‌رسان، هلال احمر افغانی است. اگر به کمک‌های این سازمان نگاه کنیم، به‌خوبی مشخص می‌شود که چگونه نسبت به برخی اقوام و مذاهب با تبعیض برخورد می‌گردد. سایر نهاد‌های امدادی نیز همین‌گونه است. همه‌روزه گزارش‌هایی از نقاط مختلف کشور به نشر می‌رسد که طالبان در توزیع کمک‌ها دخالت می‌کنند و کمک‌ها را به خودی‌های‌شان توزیع می‌نمایند. به‌صورت نمونه، کمک‌هایی که در بامیان توزیع شد، هم بسیار اندک بود و هم آرد گندیده غیرقابل استفاده بود، در حالی که چنین شکایتی از نقاط دیگر کشور برنخاسته است. همین‌گونه والی طالبان در دایکندی، کمک‌های مربوط به مردم این ولایت را به والی غور هدیه داد. در غزنی هم یک سال پس از آغاز حاکمیت طالبان، چهار ولسوالی هزاره‌نشین آن ولایت هیچ کمکی دریافت نکرده بودند، در حالی که ولسوالی‌های پشتون‌نشین آن ولایت پنج تا شش بار کمک گرفته بودند. از سوی دیگر، گزارش شد که تعداد افراد واجد شرایط در آن ولسوالی‌ها که کمک‌ها را دریافت کرده‌اند، از تعداد نفوس آن ولسوالی‌ها بیشتر بوده است. در آستانه دوساله‌گی حاکمیت این گروه باز هم در غزنی ولسوالی‌های محروم بین یک تا سه بار کمک دریافت کرده‌اند که آن کمک‌ها هم بسیار اندک و به دلیل کیفیت پایین در مواردی غیرقابل استفاده بوده؛ اما مردم ولسوالی‌های دیگر بیش از ده بار کمک‌های باکیفیت دریافت کرده‌اند. از پروان هم روز گذشته گزارش شد که طالبان کمک‌ها را به قریه‌ها و ولسوالی‌هایی هدایت می‌کنند که در اواخر جمهوری‌ت به آن‌جا دسترسی داشتند و مناطق «خودی» گفته می‌شود.

این اتفاقات فقط به پروان و غزنی و بامیان و دایکندی محدود نیست. سراسر کشور به خودی و غیرخودی تقسیم شده است و کمک‌ها براساس روابط با طالبان توزیع می‌شود. مردم فقیری که همه راه‌ها به روی آنان بسته است، به کمک‌های بشردوستانه چشم دوخته‌اند، اما این کمک‌ها با دخالت طالبان از مسیر منحرف می‌شود. در چنین شرایطی، آن‌ها مجبور می‌شوند آخرین گزینه‌ها را برای پر کردن شکم‌شان جست‌وجو کنند. شاید آخرین گزینه مرد اسماعیلی اشکاشمی، فروش مذهبش در مقابل دسترسی به کمک‌های بشری بوده است. در این صورت، او مذهبش را هزینه زنده‌گی‌اش کرده است.

هزینه دیر به ...

از صفحه ۵

گرفته می‌شود و در بسا موارد دست به جراحی‌های خطرناک و پرهزینه می‌زنند، با این باور که «شاید آن چین و چروک‌ها پنهان شوند، من بهتر به نظر بیایم و آرامشم را از من نگیرند». اما این جراحی‌ها نه‌تنها آرامش ذهنی زنان را از آن‌ها ربوده، بل کیفیت زنده‌گی آن‌ها را برهم زده و در مواردی باعث مرگ آن‌ها نیز شده است.

من زنان فرهیخته بسیاری را هم دیده‌ام که با پذیرش تفاوت‌های زیستی زن با مرد، با تفکر «حالا که داریم خزان‌زده می‌شویم، پیر خردمند شویم» سر می‌کنند. پیر خردمند شدن بی‌نهایت ارزیدنی و زیباست، ولی پیر کردن و پیر دیدن خود قبل از آن‌که «پیر شویم» نازیباترین کاری است که یک زن در جهان سوم و در حق خود و زنان دیگر روا می‌دارد. راستش من فکر می‌کنم مردها به دیدی که ما زنان به سن خودمان داریم، منعطف‌ترند. اگر دلیل بیاوریم، می‌پذیرند که زنان هم‌سال با آن‌ها پیر نیستند. اما زنان، به دلیل آن‌که از کودکی چنین زیسته‌اند - که زودتر از مردان

این حقیقت دردناک زنده‌گی زنان است که حتا در عالی‌ترین سطوح تحصیلی، خود را با معیار طنزنویسی از جهان سوم (این‌جا قصد سرکوب آن طنزنویس را ندارم - او فکر ریشه‌دار جوامع جهان سوم را بازتاب داده بود) و نگاه او که نماینده جوامع مردسالار است، می‌سنجند. البته ما هم برای خودمان و هم زنان دیگر حق انتخاب قایل نیستیم.

ادبیات فارسی هم همان‌طور که تعریف معشوق جوان و زیبا را «عنایات» او می‌خواند، «کنایات» را نیز حواله زن سال‌مند می‌کند. در فرهنگی که زن را به‌عنوان کالای مصرفی می‌بیند، زیبایی او را با گذر سن از دست رفتنی می‌داند و برای سن ازدواجش ضرب‌الاجل تعیین می‌کند. زن موجودی تنها، گوشه‌گیر و اندوهگین است.

زنان در هر سطحی از نظرات مردم در امان نمی‌مانند. امنیت زنان باسواد و شهرنشین جهان سوم - البته در جهان اول نیز - پس از شنیدن «پیر شدی»، در صورت چین و چروک افتاده، موهایی سفید شده و... از آن‌ها

عافل و بالغ شده‌اند - عمرشان را هدررفته می‌بینند و حتا اگر جوامع «زن جوان‌دوست» و «زن‌ستیز» دید انسانی به زن پیدا کنند، باز هم زن عمر عزیز خود را غنیمت نمی‌شمارد.

داشتن در مورد این‌که در پایان این یادداشت چه موردی را می‌توانم به زنان و جامعه تذکر بدهم، از فاطمه سرکش می‌پرسیدم. نخواستم کلماتی را که او چیده بود، در بالا یا نام خودم به‌خورد مخاطبانم بدهم. این یادداشت را با حرف‌های فاطمه ختم می‌کنم و تا یادداشت دیگر:

«چه قدر خوب بود زنی که دانشگاه می‌رود و کتاب می‌خواند، حین خواندن کلمات فکر این‌که چروک‌های صورتش به چشم دیگران زشت می‌زند، خاطرش را پریشان نمی‌ساخت. واقعیت روزهای رفته که در صورت نشانگری می‌کند، به حد خودپراگندگی مایه اذیت نبود. یا به چنگ آوردن شوهر و مرد شایسته هم و غم دغدغه‌دختری که تازه جوان شده است، نمی‌بود و جامعه از تمام امکان‌های زنده‌گی تنها این یکی را پیش‌کش نمی‌کرد. کاش جامعه به جای این‌که مسلخ‌گاه و دادگاه زنان باشد، بستر آرامش، خودبیانگری و خودشکوفایی می‌بود.»

خبرنگار ارشد: امین کاوه

ویراستاران: محمدعلی نظری، مقیم مهران

صفحه آرایی: رضا مرادی

پذیرش مقالات: Info@8am.media

پذیرش اعلان: ۰۷۰۰۱۷۵۵۱۰ - ۰۷۸۷۸۷۹۹ Shaparsepahr@gmail.com

نشانی پستی: ۰۲۵-۰۳۸، پسته‌خانه مرکزی، کابل، افغانستان

۸ صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده‌ی دیدگاه ۸ صبح است.

سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.

۸ صبح
روایت دیروز، آینه امروز، نوید فردا

صاحب امتیاز: سنجر سهیل Sanjar.sohail@8am.media

مدیرمسئول: محمد محق Mohammad.moheq@8am.media

سردبیر: حسیب بهش Hasib.bahesh@8am.media

تحلیل‌گران: یونس نگاه، علی سجاد مولایی

دبیر گزارش‌ها: فهمیم امین

دبیر تولید: محمد نوید جويا

Publisher:
Sanjar Sohail, Sanjar.sohail@8am.media

Editor-in-Chief:
Mohammad Moheq
Mohammad.moheq@8am.media

Facebook.com/8am.media

Youtube.com/HashteSubdaily

Twitter.com/@Hashtesubdaily

instagram.com/8am.media_official

www.8am.media

۸ صبح، کابل: فدراسیون فوتبال افغانستان می گوید که تیم ملی فوتبال کشور چهار پله در رده بندی جهانی صعود کرده است. فدراسیون فوتبال افغانستان روز سه شنبه، ۱۷ اسد، با نشر خبرنامه ای نوشته که درخشش ملی پوشان در مسابقات جام بین قاره ای فوتبال کانتیننتال و توقف جمهوری چک با نتیجه تساوی چهار بر چهار توجه AFC و فیفا را به خود جلب کرده است. این فدراسیون افزوده است که ملی پوشان فوتبال کشور از رتبه ۶۶ جهان به رده ۶۲ صعود کردند و در رده بندی آسیایی نیز از مکان ۱۴ به جایگاه ۱۲ رسید. گفتنی است که اکنون تیم فوتبال کشور بالاتر از عربستان سعودی و سایر تیم های قدرت مند فوتبال آسیا قرار دارد.

کانادا هفت مقام به شمول دبیر شورای امنیت ملی ایران را تحریم کرد



وزارت خارجه کانادا از تحریم هفت تن از مقام های ارشد به شمول علی اکبر احمدیان، فرمانده پیشین نیروی دریایی سپاه پاسداران و دبیر فعلی شورای امنیت ملی ایران خبر داده است.

این وزارت روز سه شنبه، ۸ اگست، با نشر اعلامیه ای گفته است که افراد تحریم شده در فعالیت های دخیل اند که نه تنها صلح و امنیت بین المللی را تهدید می کنند، بلکه به صورت هدفمند حقوق بشر را در آن کشور نقض کرده اند.

عبدالکریم بنی طرفی، رییس سازمان صنعت هوانوردی ایران، فاطمه حق شناس، مدیرعامل و عضو هیات مدیره شرکت ایمن صنعت زمان فرا، معصومه تیموری، رییس هیات مدیره ایمن صنعت زمان فرا، رضا خاکی، مجیدرضا نیازی و ولی ارلانی زاده از اعضای هیات مدیره شرکت صنایع هوایی قدس از دیگر افراد حاضر در فهرست تحریم های تازه کانادا هستند.

بربنیاد این اعلامیه، افرادی که درج فهرست تحریم ها شده اند هر گونه دارایی آنان در کانادا منجمد خواهد شد و اجازه ورود به این کشور را نخواهد داشت.

کاناد گفته است که هدف وضع تعزیرات جدید تحت فشار قرار دادن حکومت ایران است تا این کشور از اعمال بی ثبات کننده در خارج از آن کشور دست بردارد. این سیزدهمین بسته تحریم های کانادا است که بر شخصیت حقیقی و حکمی ایران وضع شده است.

در کنار کانادا، اتحادیه اروپا، بریتانیا و ایالات متحده نیز بر ایران تعزیرات وضع کرده اند. وزارت خارجه کانادا در این اعلامیه گفته است که تعزیرات جدید بالای هفت مقام ایرانی وضع شده است.

همزمان با وضع تعزیرات جدید کانادا بر مقامات ایرانی، بریتانیا یک شرکت ایرانی تولید هواپیماهای بی سرنشین و چند شرکت خارجی را به دلیل تامین تسلیحات و ملحقیات مورد نیاز روسیه برای استفاده علیه اوکراین تحریم کرد.

در اعلامیه وزارت خارجه بریتانیا آمده است که اشخاص حقیقی و حقوقی ایرانی که در تحقیق، توسعه، و تولید هواپیماهای بی سرنشین برای سپاه پاسداران نقش داشتند، تحریم شده اند.

بریتانیا، امریکا، و اتحادیه اروپا از فیروزی گذشته مجموعه ای از تحریم ها را برای مجازات روسیه به دلیل تهاجم به اوکراین، که مسکو آن را عملیات نظامی ویژه نام گذاشته است، اعمال کرده اند.

فرمانده سنتکام با عبور از تنگه هرمز به بحرین سفر کرد

بر چالش های موجود در این منطقه عنوان کرده اند. فرمانده سنتکام در حالی از تنگه هرمز عبور کرده است که در روزهای اخیر تنش ها میان امریکا و ایران شدت یافته است.

در تازه ترین مورد، ستاد فرماندهی مرکزی ایالات متحده «سنتکام» روز دوشنبه ۷ اگست، اعلام کرد که بیش از سه هزار نیرو نظامی این کشور با دو کشتی جنگی وارد دریای خاورمیانه شده اند که بخشی از واکنش این کشور پس از توقیف نفت کش توسط ایران است.

تقویت نیروی نظامی امریکا در منطقه خلیج فارس به هدف حمایت از امنیت تجارت جهانی نفت روی دریا و مقابله با توقیف نفتکش ها از سوی ایران عنوان شده است.

این حوادث پس از آن رخ داد که اسرائیل و ایالات متحده در پاییز گذشته ایران را به دلیل حمله پهپادی به نفت کشی که توسط یک شرکت اسرائیلی در سواحل عمان اداره می شد، مقرر دانستند.

ستاد فرماندهی مرکزی ایالات متحده (سنتکام) اعلام کرد که مایکل اریک کوریل، فرمانده این مرکز با عبور از تنگه هرمز به پایگاه ناوگان پنجم نیروی دریایی امریکا در بحرین رفته است.

سنتکام با نشر اعلامیه ای گفته که کوریل در روزهای ۱۵ تا ۱۷ اگست، توسط ناو جنگی «یواس اس توماس هادرن» از تنگه هرمز عبور کرده است.

بربنیاد اعلامیه، فرمانده سنتکام در سفرش به امارات متحده عربی، دیداری با سپهد عیسی سیف محمد المزروعی، رییس ستاد نیروهای مسلح این کشور داشته و سپس با سفر به بحرین، به دیدار حمد بن عیسی الخلیفه، پادشاه، سپهد عبدالله بن حسن النعیمی، وزیر دفاع و چند تن از افسران ارشد ستاد نیروهای دفاعی بحرین و همچنان به پایگاه ناوگان پنجم نیروی دریایی امریکا در بحرین رفته است.

کوریل در دیدار با پادشاه بحرین به بحث درباره اوضاع پیچیده امنیتی در خاورمیانه پرداختند و تقویت همکاری ها میان دو کشور را راه حل کلیدی برای غلبه



امریکا ارسال تانک آبرامز به اوکراین را تایید کرد

رسانه های بین المللی گزارش دادند که داگ بوش، رییس تدارکات ارتش امریکا، گفته که واشنگتن با ارسال اولین دسته از تانک های آبرامز به اوکراین برای جنگ با روسیه موافقت کرده است.

بوش روز دوشنبه، ۷ اگست، در مصاحبه با شبکه سی ان ان گفته است که این تانک ها و تجهیزات برای سوخت گیری و تعمیر نخست به اروپا و سپس به اوکراین ارسال خواهند شد.

دولت بایدن قصد دارد که در مجموع ۳۱ دستگاه تانک آبرامز نوع M1A1 قدیمی را به اوکراین ارسال کند.

ولادیمیر زلنسکی، رییس جمهور اوکراین با ادعای این که حمله روس ها به کشورش به مثابه اقدام علیه کل اروپاست، تا کنون صدها میلیارد دالر کمک نظامی از کشورهای غربی جلب کرده است.

سقف کمک های امریکا به اوکراین به تنهایی در بخش های مختلف به ویژه نظامی از آغاز حمله تا کنون از صد میلیارد دالر بالا رفته است.

چندی پیش کشورهای غربی تانک های لئوپارد و سیستم ضد هوایی پاتریوت را به اوکراین فرستاده اند.

به رغم ارسال تجهیزات گسترده از سوی کشورهای غربی به اوکراین، بسیاری از کارشناسان احتمال پیروزی این کشور در نبرد با روس ها را ناچیز ارزیابی می کنند.

از حمله روسیه به اوکراین بیش از ۱۸ ماه سپری می شود.

کی یف و مسکو در ماه های اخیر از تحرکات در میدان های جنگ دست کشیده و بیشتر به حملات موشکی و پهپادی علیه یک دیگر روی آورده اند.

اردوغان: غرب باید به تعهداتش در مورد صادرات غلات اوکراین عمل کند

اردوغان ماه گذشته طی یک نشست خبری مشترک با ولادیمیر زلنسکی، رییس جمهور اوکراین، اعلام کرد که پوتین در ماه اگست سال جاری به ترکیه سفر خواهد کرد.

اما مسکو زمانی که زلنسکی به همراه پنج فرمانده ارشد اوکراین از استانبول بازگشت که قرار بود براساس توافق مبادله زندانیان با مسکو تا پایان درگیری در ترکیه باقی بمانند، عصبانی شد.

دیمیتری پسکوف، سخنگوی کرملین در آن زمان گفت که این «نقض مستقیم» توافق با ترکیه است.

ترکیه، یکی از اعضای ناتو، توانسته است روابط دوستانه خود را با روسیه و اوکراین در طول جنگ حفظ کند. انقره از تحریم های غرب در برابر روسیه خودداری کرده است، اما به اوکراین تسلیحات ارسال کرده است.

را روز سه شنبه، ۷ اگست، مطرح کرده است. اردوغان با اشاره به تماس تلفنی اخیرش با ولادیمیر پوتین، رییس جمهور روسیه که از تمدید توافق امتناع کرد، افزود: «فکر می کنم می توان راه حلی پیدا کرد.»

ترکیه یکی از بازیگران کلیدی در توافقی بود که اکنون از بین رفته و امکان عبور امن محموله های غلات اوکراینی از طریق دریای سیاه را فراهم می کند.

این توافق که با میانجی گری انقره و سازمان ملل در جولای ۲۰۲۲ امضا شد، ماه گذشته پس از آن که مسکو از تمدید آن خودداری کرد، پایان یافت.

مسکو می گوید که در صورت برآورده شدن خواسته هایش در مورد صادرات غلات و کود روسیه که معتقد است با مشکل مواجه شده، بازگشت خود را به توافق صادرات غلات اوکراین بررسی خواهد کرد.



رجب طیب اردوغان، رییس جمهور ترکیه می گوید که احیای توافق با روسیه برای اجازه دادن صادرات غلات اوکراین با میانجی گری انقره و سازمان ملل متحد به کشورهای غربی بسته گی دارد که باید به وعده های خود عمل کنند. بربنیاد گزارش خبرگزاری فرانسه، اردوغان این اظهارات

داعش ۱۰ عضو ارتش سوریه را کشت

سوریه صورت گرفته است. این حمله تا کنون از سوی مقام های سوریه تایید یا رد نشده است. این نهاد حمله داعش به مواضع ارتش سوریه را شدید و غافلگیرکننده خوانده است. دیده بان حوق بشر سوریه، وضعیت زخمیان این حمله را

دیدبان حقوق بشر سوریه مستقر در لندن اعلام کرده است که در پی حمله جنگجویان داعش بر یک پایگاه نظامیان در این کشور، ۱۰ سرباز سوریه کشته و شش تن دیگر زخمی شده اند. به گزارش خبرگزاری فارس، وبسایت المرصد السوری روز سه شنبه، ۸ جولای، مدعی شد که این حمله در ولایت رقه

وخیم گزارش داده است.

این در حالی است که داعش در این اواخر حملات خود علیه نظامیان سوریه را شدت بخشیده است. این گروه چند روز پیش نیز یک کاروان نفتی را در شمال این کشور هدف قرار داد که در نتیجه آن چهار تن کشته شده اند.

جنگجویان داعش همچنان چند روز پیش از این حمله، دو عملیات در منطقه السیده زینب از مربوطات دمشق، پایتخت سوریه، انجام دادند که در پی آن شش تن کشته شدند و شماری هم زخم برداشتند.